

کتاب

اولین بار بود که
احمدی نژاد رامی دیدم

ماجرا از این قرار بود که گزارش ما در مورد تورم، توسط آقای میرکاظمی مطالعه شده بود و او نیز گزارش مذکور را به آقای احمدی نژاد داده بود. رئیس جمهور وقت هم پس از مطالعه گزارش تورم، در خصوص آن، بحث‌ها و سؤالاتی داشت که به آقای میرکاظمی دستور داده بود با تهیه‌کنندگان این گزارش جلسه‌ای ترتیب داده شود. میرکاظمی آن زمان خارج از کشور بود، لذا بنده به همراه دکتر موحدی معاون وزیر بازرگانی و یکی دیگر از همکارانم به نام آقای احمد تشکینی که آن زمان دانشجوی دکترای اقتصاد بود، به نهاد ریاست جمهوری رفتیم. آنجا و در آن جلسه، اولین بار بود که بنده آقای احمدی نژاد را از نزدیک می‌دیدم و ایشان هم طبعاً، اولین بار بود که اسم بنده را می‌شنید. بعد از ارائه گزارش، بحث‌های مختلفی در آن جلسه مطرح شد. آقای احمدی نژاد بیشتر از ما سؤال می‌کرد و ما نیز به سؤالات وی پاسخ می‌دادیم. این ماجرای اولین آشنایی و ملاقات بنده، با رئیس دولت نهم بود.



احمدی نژاد چگونه وزیر اقتصاد را انتخاب کرد؟

وقتی برای معرفی آقای فرزین برای دبیری طرح تحول اقتصادی با آقای احمدی نژاد ملاقات کردم، پیشنهاد وزارت اقتصاد را به من داد

گزارش

امروز دومین بخش از جلد اول کتاب **محرمانه‌های اقتصاد ایران حاوی گفت‌وگو با سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد دولت‌های نهم و دهم منتشر می‌شود که حاوی مباحثی درباره شکل‌گیری کارگروه طرح تحول اقتصادی و زمینه‌سازی برای اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در دولت محمود احمدی نژاد است. حسینی در شماره امروز همچنین درباره نحوه پیشنهاد پست وزارت اقتصاد از سوی احمدی نژاد نیز توضیحاتی را ارائه کرد.**

شما گفتید و واقعیت هم دارد، بیشتر دوستانم نیز از طیف مخالفان و منتقدان دکتر احمدی نژاد بودند یا بهتر است بگویم موافق آقای احمدی نژاد نبودند.

من در دولت هشتم و در زمان وزارت آقای محمد شریعتمداری مدیرکل دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی بودم. دفتر مطالعات، برای من حوزه بازرشی محسوب می‌شد، چرا که برای مطالعه و تدوین گزارش‌ها و پژوهش‌ها هیچ محدودیتی نداشتیم. البته وقتی پژوهش‌های ما قرار بود به طرح و لایحه تبدیل شود، یک تغییراتی در آن ایجاد می‌شد که به نظرم طبیعی هم بود و اشکالی در این مسئله نمی‌دیدم. در دولت نهم وقتی آقای میرکاظمی

وزیر بازرگانی شد، به مرور زمان وی هم با معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارتخانه آشنایی بیشتری پیدا کرد. با توجه به علاقه شخص آقای میرکاظمی به معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی و اهمیت این حوزه، به تدریج تعداد جلسات ما با وی افزایش یافت و سؤالات بیشتری در مورد موضوعات اقتصادی از جمله تورم در این جلسات مطرح می‌شد که نیاز به تحقیق و پژوهش‌های بیشتری از سوی معاونت داشت. پاییز ۸۶ بود. من آن زمان علاوه بر حضور در وزارت بازرگانی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور نیز بودم و در دوره کارشناسی ارشد، اقتصاد کلان تدریس می‌کردم. یک روز با من تماس گرفته و اعلام شد: «جمعه این هفته به اتفاق آقای دکتر موحدی معاون وقت وزیر بازرگانی باید به ساختمان ریاست جمهوری در پاستور بروید.»

ماجرا از این قرار بود که گزارش ما در مورد تورم، توسط آقای میرکاظمی مطالعه شده بود و او نیز گزارش مذکور را به آقای احمدی نژاد داده بود. رئیس جمهور هم پس از مطالعه گزارش تورم، در خصوص آن، بحث‌ها و سؤالاتی داشت که به

آقای میرکاظمی دستور داده بود با تهیه‌کنندگان این گزارش جلسه‌ای ترتیب داده شود. میرکاظمی آن زمان خارج از کشور بود، لذا بنده به همراه دکتر موحدی معاون وزیر بازرگانی و یکی دیگر از همکارانم به نام آقای احمد تشکینی که آن زمان دانشجوی دکترای اقتصاد بود، به نهاد ریاست جمهوری رفتیم. آنجا و در آن جلسه، اولین بار بود که بنده آقای احمدی نژاد را از نزدیک می‌دیدم و ایشان هم طبعاً، اولین بار بود که اسم بنده را می‌شنید. بعد از ارائه گزارش، بحث‌های مختلفی در آن جلسه مطرح شد. آقای احمدی نژاد بیشتر از ما سؤال می‌کرد و ما نیز به سؤالات وی پاسخ می‌دادیم. این ماجرای اولین آشنایی و ملاقات بنده، با رئیس دولت نهم بود.

آن روزها ستاد اقتصادی دولت هر سه‌شنبه جلساتی داشت که تعدادی از وزرا از جمله وزیر بازرگانی و شخص رئیس جمهور در آن شرکت می‌کردند. یکی از مباحث مطرح شده در این ستاد که بعدها به ستاد تحول اقتصادی تبدیل شد موضوعی بود. از آنجایی که من قبلاً در حوزه یارانه‌ها کار

و مطالعه کرده بودم و در معاونت اقتصادی وزارت بازرگانی، پژوهش‌های مختلفی در این حوزه داشتم، به همراه وزیر بازرگانی در آن جلسات حضور پیدا می‌کردم. میزان مطالعه و روحیه‌ام به گونه‌ای بود که در اکثر بحث‌ها ورود می‌کردم. جدیت و ورود من به برخی از مباحث به قدری بود که در بعضی از موارد بحث‌مان با آقای رئیس جمهور بالا می‌گرفت. البته بالا گرفتن به این معنا که از نظر کارشناسی بسیار جدی می‌شد. یادم است مواردی پیش می‌آمد که چه بسا ایشان حرف بنده را نمی‌پذیرفت، اما پس از جمع‌بندی در پایان جلسه خطاب به جمع می‌گفت: «این موضوعات را بعد از ظهر در جلسه‌ای بررسی کنید.» لذا بنده چند کارشناس دیگر را مورد خطاب قرار می‌داد و تأکید می‌کرد که شما هم حتماً در جلسات حاضر باشید. این‌ها برای من خیلی جالب بود که رئیس جمهور در جلسات با ما، خیلی صریح بحث می‌کرد، خودش در جایگاه یک کارشناس حاضر می‌شد و خیلی روی مسائل ریز و درشت اقتصادی کشور تسلط داشت. کسانی که با آقای احمدی نژاد کار کرده‌اند، می‌دانند او از جنس آدم‌هایی نیست



من آن زمان علاوه بر حضور در وزارت بازرگانی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور نیز بودم و در دوره کارشناسی ارشد، اقتصاد کلان تدریس می‌کردم. یک روز با من تماس گرفته و اعلام شد: «جمعه این هفته به اتفاق آقای دکتر موحدی معاون وقت وزیر بازرگانی باید به ساختمان ریاست جمهوری در پاستور بروید»

